

درجه

«خانه پدري»

بعد از ۱۰ سال رفع توقیف شد

• شرق: «خانه پدري» بعد از ۱۰ سال توقیف، از اول آبان‌ماه اکران می‌شود. شاید همین یک جمله برای بسیاری از علاقه‌مندان سینما، خصوصا سینمای کینوش عیاری در تمام ۱۰ سال گذشته، کمی کلیشه‌ای به نظر برسد، اما قطعا گذر از تمامی موانعی که منجر به توقیف فیلم شده بود کار آسانی نبود و اکران فیلمی که به نظر می‌رسید رنگ پرده را نبیند، خبر مسرت‌بخش این روزهای سینمای ایران است. نخستین‌بار در جشنواره سی‌ودوم فیلم فجر بود که بسیاری برای نخستین‌بار خانه پدري عیاری را دیدند؛ فیلمی که در همان نمایش اول تحسین بسیاری از اهالی سینما، منتقدان و مخاطبان را در پی داشت. موج رضایتمندی مخاطبان جشنواره فیلم فجر به گوش بسیاری که نخستین اکران این فیلم را از دست داده بودند رسید و خانه پدري برای عده‌ای، از فیلم‌های کنجکاو۱بر انگیز اکران بود. در میانه‌های برگزاری جشنواره فیلم فجر، برخی درباره چگونگی اکران این فیلم نوشتند و اماواگرهایی که این فیلم در اکران خواهد داشت، شایعات توقیف فیلم به مرور رنگ حقیقت به خود گرفت و فیلم خانه پدري رسما یکی از فیلم‌های توقیفی سینمای ایران لقب گرفت. تلاش‌های کینوش عیاری برای رفع سوءتفاهم‌ها برای نمایش عمومی فیلمش به نتیجه نرسید و حرف بر سر جرح‌وتعذیل‌های اساسی تا رسیدن به اکران عمومی بود. ۵ دی‌ماه ۹۳ خانه پدري تنها در چند سالن و سالن محدود نمایش داده شد و موج استقبال از فیلم آن‌قدر زیاد بود که فیلم در ساعات ابتدایی می‌توانست سالن‌های فوق‌العاده‌ای به مخاطبانش اختصاص بدهد، اما ادامه نمایش فیلم غیرممکن بود و تلاش‌های طولانی مدت فیلم بی‌حاصل. بعد از آن نوبت به اکران فیلم در گروه سینمایی هنر و تجربه رسید تا با شروطی خانه پدري عیاری را اکران کند، اما پاسخی از جانب عیاری تکلیف فیلم را مشخص کرد. عیاری در گفت‌وگو با مهر در پاسخ به این پرسش که فیلم مجوز اکران در گروه هنر و تجربه را دارد، گفت: «من این فیلم را در گروه «هنر و تجربه» اکران نمی‌کنم، زیرا معتقدم «خانه پدري» باید فراگیر دیده شود و برایم معنی ندارد که فقط در تهران و برخی شهرستان‌ها، آن هم در سالن‌ها و سالن‌های محدود روی پرده برود. چرا باید مردم دیگر شهرستان‌های فاقد گروه «هنر و تجربه» در قرنطینه فرض شوند و امکان تماشای تعدادی از فیلم‌ها را که در این گروه به اکران می‌رسند از دست بدهند. اعلام کرده‌اند اگر صحنه مربوط به قتل در زیرزمین از فیلم حذف شود، می‌توانیم آن را در سرگروه سینمایی اکران کنیم و اگر حذف نشود، محدود به گروه «هنر و تجربه» خواهد شد». او در پاسخ به اینکه اگر برای اکران در سرگروه برای فیلم شرط سنی در نظر گرفته شود، آیا با آن موافقت خواهد کرد یا خیر هم گفت: «حتما با این شرط موافقت خواهم کرد، چراکه یک روند حرفه‌ای است که در سینمای جهان هم مرسوم است. ضمنا به تبلیغ فیلم هم کمک خواهد کرد». صحبت‌های عیاری و اصرار و مقاومتش بر اینکه فیلم به سلامت و بدون جرح‌وتعذیل‌های زیاد به اکران برسد تقریبا امیدها را ناامید کرد، اما قطعا خواسته مخاطبان فیلم نیز چیزی جز این نبود که نسخه کامل خانه پدري را ببینند. اما خبر خوشحال‌کننده برای بسیاری که موفق به تماشای فیلم نشدند، اکران عمومی فیلم از اول آبان‌ماه است و شنیده‌ها حاکی از اصلاحات جزئی در اکران است. «خانه پدري» برنده تندیس بهترین فیلم، بهترین فیلم‌نامه و بهترین کارگردانی از هشتمین جشن انجمن منتقدان سینمای است. مهدی هاشمی، شهاب حسینی، مه‌ران رجبی، ناصر هاشمی، نازنین فراهانی، مینا ساداتی، معصومه بافنده، آزاده موحدبشیری، رسول سلیمان، ستاره میرمحمد، آتیاز آذرهوش، نگاه خاقانی، ملیکا فردوسیان، پادینا رهنما، مژده مهرنگ، حسین فلاح، مرمر جعفری، مهدی خیراللهی و معین‌الدین عشاقی در این فیلم سینمایی مقابل دوربین دریاوش عیاری بازی کرده‌اند.

بهناز شیربانی: سال‌ها است که علی مصفا به‌جز بازیگری، تهیه‌کنندگی برخی آثار سینمایی را نیز بر عهده دارد و طبیعی است که انتخاب او در مقام تهیه‌کننده نیز کنجکاو۱ علاقه‌مندان به سینما را برمی‌انگیزد. سال گذشته پیش از برگزاری جشنواره فیلم فجر بسیاری علاقه‌مند دیدن «مسخره‌باز»ی بودند که نخستین اثر سینمایی همایون غنی‌زاده در مقام کارگردان بود و علی مصفا تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشت و البته نقش کوتاهی در فیلم ایفا کرد.

فارغ از اینکه مصفا بیشتر خودش را بازیگر می‌داند نه تهیه‌کننده، معتقد است که تهیه‌کنندگی برایش بیشتر شکل کمک‌کردن به کارگردان‌های جوان را دارد. او در گفت‌وگویی پیش از برگزاری جشنواره سی‌وهفتم فیلم فجر درباره چرایی پذیرفتن مسئولیت تهیه‌کنندگی به «شرق» گفت: «تهیه‌کنندگی هیچ‌وقت خواست من نبوده و الان هم نیست، ولی مثل اینکه قسمتم این بوده که همیشه درگیر کارهایی شوم که خیلی از من دور بوده‌اند. در این سه، چهار سال باور کنید شاید هر ماه سه، چهار تماس یا بیشتر داشتم؛ به‌ویژه از کار اولی‌ها که دلشان می‌خواست من تهیه‌کننده کار باشم و یک‌جوری این‌قدر پیشنهاد داشتم که واقعا چاره‌ای نداشتم جز اینکه یکی را بالاخره قبول کنم، وگرنه واقعا تهیه‌کنندگی در فضای ذهنی من نیست. به‌هرحال، برای من به عنوان تهیه‌کننده ملاک اولیه و اصلی باز هم فیلم‌نامه است. وقتی که قرار می‌شود تهیه‌کننده باشم، سعی می‌کنم چیزی که به نظرم درست می‌رسد به بهترین شکل انجام شود. سعی می‌کنم آن بلاهایی که سر خودم می‌آمد سر کارگردانی که می‌خواهد فیلم اولش را بسازد، نیاید. سعی می‌کنم چیزهایی که در این سال‌ها فکر می‌کردم یک تهیه‌کننده باید انجام بدهد، انجام دهم، خیلی چیزها کار من نیست و از دیگران کمک می‌گیرم، ولی از جهات دیگر گاهی بیشتر از یک تهیه‌کننده متعارف سینما می‌توانم به کارگردان کمک کنم. این درست است

این مکتوب به بهانه نمایش پروژه «دور سیب خط بکش یا بی‌سایه‌گی» با یکوریتوری آبدین خانکشی‌پور در وی گالری، از پروژه‌های بیرون از دستان، نوشته شده است. این نمایش، تا ۲۶ مهر ۹۸ برقرار بود. این پروژه با همکاری دو کالری دستان و امروز اصفهان، به انجام رسیده و سومین پروژه از رخداد جست‌وجو است.

«بی‌سایگی» و بی‌مکانی

در نمایشگاه بی‌سایه‌گی در غیاب زمینه، تمرکزمان را از مکان ایزه به خودش معطوف می‌داریم. همچنان که نیاز داریم به خود و دیگری، فارغ از زمینه، نظری بیندازیم. همچنان که گاهی می‌طلبد که از درون روزنه‌ای، ایزه‌های جهان‌مان را مفصل از بسترشان تشریح کنیم.

شاید بتوان دست‌کم برخی از آثار بی‌سایه این جست‌وجو و این دسته‌بندی صرفا زیبایی‌شناسانه را زایده شرایط حال حاضر خالفاش در زمانه‌ای که آدمی بیش از پیش معلق در فضا است، دانست؛ شرایطی که به نفی یا حذف زمینه من‌انجامد، همچون تلاش اراده‌مند شخص برای پاک‌کردن ارجاعات هویتی‌اش و بازسازی فردیت خود که فارغ و شاید بهتر است بگوییم منقطع، از زمینه متن انجام می‌شود. این سرعت بی‌سابقه جابه‌جایی در زمانه ما است که لزوم این امر را تشدید می‌کند. سرعتی که انسان این عصر را از درک زمینه ایزه ناتوان می‌کند و در نهایت با تبدیل به حس بی‌مکانی موجب محوشدن کامل زمینه ایزه می‌شود. این حس بی‌مکانی کمک می‌کند تا لحظه‌ای هم که شده، همه زمینه‌ها را از پیرامون آنچه در جست‌وجویش هستیم پاک کنیم. این حس بی‌مکانی موجب می‌شود در جریان این خطوط متحرک مدام، لحظه‌ای درنگ کنیم و در بی‌زمانی و بی‌مکانی آن را بنگریم. به دیگر سخن، بی‌سایگی ایزه‌های امروز تجلی بی‌سایگی هنرمند امروز است.

حالتی که در پی استیصال از انعکاس سایه‌های متکثر

بهناز شیربانی: سال‌ها است که علی مصفا به‌جز بازیگری، تهیه‌کنندگی برخی آثار سینمایی را نیز بر عهده دارد و طبیعی است که انتخاب او در مقام تهیه‌کننده نیز کنجکاو۱ علاقه‌مندان به سینما را برمی‌انگیزد. سال گذشته پیش از برگزاری جشنواره فیلم فجر بسیاری علاقه‌مند دیدن «مسخره‌باز»ی بودند که نخستین اثر سینمایی همایون غنی‌زاده در مقام کارگردان بود و علی مصفا تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشت و البته نقش کوتاهی در فیلم ایفا کرد.

فارغ از اینکه مصفا بیشتر خودش را بازیگر می‌داند نه تهیه‌کننده، معتقد است که تهیه‌کنندگی برایش بیشتر شکل کمک‌کردن به کارگردان‌های جوان را دارد. او در گفت‌وگویی پیش از برگزاری جشنواره سی‌وهفتم فیلم فجر درباره چرایی پذیرفتن مسئولیت تهیه‌کنندگی به «شرق» گفت: «تهیه‌کنندگی هیچ‌وقت خواست من نبوده و الان هم نیست، ولی مثل اینکه قسمتم این بوده که همیشه درگیر کارهایی شوم که خیلی از من دور بوده‌اند. در این سه، چهار سال باور کنید شاید هر ماه سه، چهار تماس یا بیشتر داشتم؛ به‌ویژه از کار اولی‌ها که دلشان می‌خواست من تهیه‌کننده کار باشم و یک‌جوری این‌قدر پیشنهاد داشتم که واقعا چاره‌ای نداشتم جز اینکه یکی را بالاخره قبول کنم، وگرنه واقعا تهیه‌کنندگی در فضای ذهنی من نیست. به‌هرحال، برای من به عنوان تهیه‌کننده ملاک اولیه و اصلی باز هم فیلم‌نامه است. وقتی که قرار می‌شود تهیه‌کننده باشم، سعی می‌کنم چیزی که به نظرم درست می‌رسد به بهترین شکل انجام شود. سعی می‌کنم آن بلاهایی که سر خودم می‌آمد سر کارگردانی که می‌خواهد فیلم اولش را بسازد، نیاید. سعی می‌کنم چیزهایی که در این سال‌ها فکر می‌کردم یک تهیه‌کننده باید انجام بدهد، انجام دهم، خیلی چیزها کار من نیست و از دیگران کمک می‌گیرم، ولی از جهات دیگر گاهی بیشتر از یک تهیه‌کننده متعارف سینما می‌توانم به کارگردان کمک کنم. این درست است

فیلم سینمایی «چاقی» به فاصله پنج سال از زمان ساخت اکران شد. آن‌قدر دیر که قطعا یادآوری آن برای بسیاری که این فیلم را نخستین‌بار در

علی مصفا و انتخاب‌هایش



علی مصفا

جشنواره سی‌وسوم فیلم فجر دیده بودند، سخت بود و دلیل عدم اکران آن در این سال‌ها عجیب به نظر می‌رسید. خیر اکران فیلم بعد از پنج سال غیر از مخاطبان سینما، بازیگران و عواملش را هم غافلگیر کرد و علی مصفا در گفت‌وگویی تصویری درباره این فیلم سینمایی گفت: « شنیده‌ام بالاخره فیلم «چاقی» بعد از پنج سال اکران می‌شود. از این بابت خوشحالم و امیدوارم اکران این فیلم همراه با موفقیت باشد. یاد آقای آخوندی بخیر که در تولید این فیلم همراه ما بودند. دلم برای همه عوامل این فیلم تنگ شده است. آن‌قدر این فیلم را اکران نکردید که لااغر فروش سینما به دست آورد. اما این روزها غیر از «مسخره‌باز» که نام علی مصفا به عنوان تهیه‌کننده در آن دیده می‌شود، سه فیلم «مردی بدون سایه»، «چاقی» و «سال دوم دانشکده من» در فاصله کوتاهی از هم اکران شد و هم‌زمانی اکران این سه فیلم او را به چهره خبرساز این روزها تبدیل کرده است.

فیلم سینمایی «چاقی» به فاصله پنج سال از زمان ساخت اکران شد. آن‌قدر دیر که قطعا یادآوری آن برای بسیاری که این فیلم را نخستین‌بار در

بی‌سایگان معلق در خلأ:

مردگان بی‌مکان و بی‌زمان

ر انیکا خورشیدیان، دکترای پژوهش هنر



به دنبال سکوت و خلوتی برای بازشناسایی خود ایزه است. شکلی از مدافه که فارغ از برهم‌کنش شیء و زمینه، تنها در پی مطالعه شیء است. با توجه به تلاش رخداد جست‌وجو، برای کنارهم‌چیدن و ایجاد طبقه‌بندی در هنر معاصر ایران، در مورد این مجموعه که حول محور بی‌سایگی و بی‌مکانی سامان یافته است باید خاطر‌نشان کرد که بیان زیبایی‌شناسانه خاص هر فرهنگی از ارتباط عمیق آن با مکانش شکل می‌گیرد. در واقع، نسبت به جریان عمده هنر مدرن ایران که در آن غالبا هنرمند برای بازسازی و بازشناخت زیبایی‌شناسی خاص اقلیمش، مکان زیستش را زمینه آفرینش هنری خود قرار می‌دهد، جلوه شیء – منفصل از جا و مکانش – امر متفاوتی است. در ادامه باید به دو دسته از آثار که در این مجموعه به نمایش درآمده‌ند، اشاره کنیم. اولی، یعنی بی‌سایگی و مرگ؛ به آثار فیگورال اشاره دارد و دومی، بی‌سایگی و تجرید، به بی‌زمان‌بودن آثار انتزاعی این مجموعه ارتباط دارد.

«بی‌سایگی» و مرگ

علی‌رغم گریز این مجموعه از تعیین محتوایی پیونددهنده، از بدو ورود به نمایشگاه دور سیب خط بکش، با ماهی‌های مرده میرمحمد فتاحی، یکی از مخدوش‌ترین چهره‌های فرخ مهدوی، اسکت‌های فسیل‌شده گلنوم صالحی، گیاهان تکه‌تکه‌شده و جانوران پوست‌کنده امبرکسرا گلرنگ، سوزه‌های معلق در خلأ نیما زارع‌نهندی، و گل‌های مهلک رعنا فرنود و در یک کلام با مرگ و ایزه‌های مرده مواجهیم. ایزه‌هایی که برای بیان خود همه جهان اطراف را حذف کرده‌اند. ایزه‌هایی تشریح شده که زیر دره‌بین قصاب، فارغ از متن‌شان همگی در خلأ

در جشنواره سی‌وهفتم فیلم فجر تجربه کرد و برابند نظر منتقدان از این فیلم چندان راضی‌کننده نبود. برخی سینمایی‌نویسان فیلم‌نامه کمر‌مق فیلم را پاشنه آشیل آن توصیف کردند و برخی دیگر از حضور دوباره مصفا در کنار لیلا حاتمی نوشتند که برخلاف بسیاری از فیلم‌های موفق این‌دو، این تجربه چندان چشمگیر نبوده است. «مردی بدون سایه» باوجود حضور بازیگرانی که معمولا در آثارشان مخاطبانی را با خود همراه می‌کنند، سهم زیادی از گیشه پاییزه سینما کسب نکرده است.

«سال دوم دانشکده من»، دیگر فیلمی که سال گذشته علی مصفا در جشنواره فیلم فجر داشت و هم‌زمان با دیگر فیلم‌هایش اکران شده است، تازه‌ترین ساخته رسول صدراعملی مصائب دختران جوان را تصویر کرده است. صدراعملی در

این فیلم نیز در کنار بازیگران چهره سینمایی ایران مثل علی مصفا، ویشکا آسایش، بابک حمیدیان، از چهره‌های جوانی که به‌تازگی به سینمای ایران معرفی شده‌اند، استفاده کرده است؛ چهره‌هایی که حضورشان در این فیلم تحسین‌برانگیز است. «سال دوم دانشکده من» نیز در رقابت با دیگر فیلم‌های اکران جدید سینما است و فروشن به یک میلیارد نزدیک می‌شود.

علی مصفا از جمله بازیگران بی‌حاشیه سینما است که تجربه حضور مقابل دوربین کارگردان‌های بزرگ سینمای ایران و حضورش در مقام کارگردان، تحسین بسیاری از سینما‌نویسان و مخاطبان سینما را به همراه داشته است. قطعا پیش از ساخت هر فیلم نمی‌توان جواب قاطعانه‌ای برای میزان شکست یا پیروزی فیلم متصور بود. آنچه‌ان که مصفا هم معتقد است، «هرچقدر هم که نویسنده و کارگردان معتبر باشد، به‌رحال هیچ‌کس نمی‌تواند سرنوشت فیلم را پیش‌بینی کند؛ هستند چیزهایی که می‌توان با آنها تخمینی زد و مهم‌ترین آنها به نظر من فیلم‌نامه است. در این فیلم‌نامه می‌توانستم حدس بزنم که اتفاق خوبی می‌افتد اگر همه چیز با هم جفت‌وجور شود».

سایه‌ای هم بر روی زمین باقی گذاشته‌اند، همراه فرم‌های ارگانیک نیما زارع‌نهندی هر دو یادآور اتصالات زیست‌جهان ما هستند. درباره فرم‌های ارگانیک نیما زارع‌نهندی باید گفت که این رگه‌های طبیعی در هیئت فرمی استوار –که هم‌زمان نوعی سلطه مصنوعی قدرت را تداعی می‌کنند– نمایش داده شده‌اند. درحالی‌که شبکه‌های مه‌رراد نظرعلی نوعی میل به گریز و ازهم‌پاشاندن جهان مصنوع را به نمایش می‌گذارند. سر آخر باید به آرامش افق‌های روتکووار اشکان عبدلی اشاره کنیم که محبوس‌بودن آنها در حاشیه سفید یادآور آثار السورت کلی است.

جمع‌بندی

آنچه نقطه اتصال مجموعه بی‌سایگی را از دیدگاه فرمی شکل می‌دهد، گاهی نمایش مجسمه در نقاشی است و در مواردی دیگر جلوه طراحی به جای نقاشی است. دومی دست‌کم در بخشی از آثار غالب هنرمندان نه همیشه؛ اما گه‌گاه جلوه می‌کند و به‌سختی می‌توان گفت که هنرمند، تعدی از نمایش حاشیه سفید دور آثارش دارد. باوجوداین، این اتفاق در گستره‌های جغرافیایی و تاریخی مشخصی تکرار بارزتری داشته است؛ مثلا در بین آثار پیشامدرن بیش از هر نقطه دیگری می‌توانیم در جهان شرق دور و در بین آثار چین و ژاپن از را بازایبیم و در بین جریان‌های متأخر می‌توان از طراحی‌های فیکوراتیو-تولوز لوترک تا آثار مینیمال ماکس بیل، از لیتوگرافی‌های هارنی ماتیس تا آثار سوریه‌ماتیستی کارمیرمالویچ مثال زد. شاید بتوان دلیل مرگ را در در این دسته قرار داد. می‌گیرند، پرتره‌های هوشنگ پزشک‌نیا و کوزه‌های فرهاد مشیری را هم گنجاند. در پایان باید گفت چنانچه رخداد جست‌وجو در پی کنار هم چیدن آثار هنر معاصر ایران بر مبنای استراتژی جای‌گیری و ترکیب‌بندی باشد، تنها اشاره به دو دسته مقابل هم، کافی نیست؛ بلکه باید در پی دسته‌بندی‌های متنوع‌تری بود. این دسته‌ها می‌تواند در کنار دسته‌های شناخته‌شده‌تری از هنر نوگرای ایران نظیر خط، کویر و فرش به فهم بصری ما از این آثار یاری برساند و مسیرهای نو و نارفته را نمایان کند. این طبقه‌بندی شاید دست‌کم بتواند مبنایی برای تدوین یک کتاب با موضوع استراتژی‌های بصری در هنر معاصر ایران قرار گیرد که با آتالیز اجزای تصویر خوانش بصری ما را علمی‌تر و متقن‌تر می‌کند. چنین رخدادها و نوشته‌هایی که در پی آن منتشر می‌شوند، می‌توانند راهنمای دانشجویان این حوزه باشند و مسیرهای زیبایی‌شناسانه هنرمندان معاصر ایرانی را در منظری دیگر نمایان کنند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

«هسل» برای حضور

در جشنواره‌های داخلی و خارجی آماده می‌شود

• فیلم داستانی «هسل» به کارگردانی هیلا اکرانی به پایان مراحل فیلم‌برداری رسید و در حال حاضر مراحل فنی را به‌سرعت پشت سر می‌گذارد تا با توجه به موضوع خاصش، خود را برای حضور در جشنواره‌های خارجی و داخلی آماده کند. هیلا اکرانی که پس از سال‌ها بازیگری با هسل یا به دنیای کارگردانی گذاشته است، اولین تجربه کارگردانی‌اش را ارزشمند و قابل اعتنا می‌داند و متذکر شده است: هسل، چه به لحاظ قصه و چه ساخت و تجربه کارگردانی یک اتفاق است. هسل که به معنای مرداب است، درباره خواننده‌های است که یک اتفاق، موسیقی آن روی دیگر زندگی‌اش را برایش می‌نوازد.... مرتضی رضایی، حمیدرضا ساسانی، ماهرخ کریمی، بیتا علیمحمدی، سارا خیش‌زار و طاهر رحیمی، با حضور هیلا اکرانی در این فیلم ایفای نقش می‌کنند.

«کیارستمی و عصای گمشده» در سالتو برگزیده شد

• محمودرضا تانسی کارگردان و بهروز نشان تهیه‌کننده فیلم بلند «کیارستمی و عصای گمشده» در جدیدترین حضور بین‌المللی خود توانستند با رأی هیئت داوران، عنوان بهترین فیلم بلند مستند جشنواره فیلم‌های مستقل سالتو در اروگوئه را به خود اختصاص دهند. فیلم بلند «کیارستمی و عصای گمشده»، آخرین ساخته محمودرضا تانسی علاوه بر حضور در جشنواره فیلم‌های مستقل سالتو، پیش از این در جشنواره‌های اوراسیا در روسیه، شهرستان سبزو و تندیس طلایی در آمریکا روی پرده رفته و موفق به کسب جایزه بهترین فیلم از جشنواره تندیس طلایی نیز شده است. فیلم «کیارستمی و عصای گمشده» به مدت زمان ۹۰ دقیقه، روایتی از نوع نگاه کیارستمی به زندگی و سینماست که ثانی در مدت چهار سال و زمانی که کیارستمی کارگاه‌های آموزشی سینمایی در اسپانیا و کلمبیا برگزار می‌کرد، تلاش کرده بیش یک مؤلف، دیدگاه و جهان‌بینی وی را به تصویر بکشد. محمودرضا تانسی پیش از ساخت مستند بلند «کیارستمی و عصای گمشده»، کتاب «عباس کیارستمی و درس‌هایی از سینما» را تألیف کرده که این کتاب به زبان‌های مختلف ترجمه و در ایران و آمریکا چاپ و توزیع شده است، چهارمین جشنواره فیلم مستقل «سالتو» از ۲۲ تا ۲۶ مهرماه در کشور اروگوئه برگزار شد.

محمد صالح‌زهی درگذشت

• درگذشت استاد صالح‌زهی معلم، شاعر و پژوهشگر تاریخ، فرهنگ (زبان، ادبیات و هنر)، از پیش‌کسوتان پژوهشگری فرهنگی، به یادمان آورده که جامعه علمی و فرهنگی ما به حدی از بلوغ نرسیده است که شخصیت‌های علمی و فرهنگی را قبل از اینکه از دست ببروند، بشناسیم و احترام شایسته آنان را به‌عنوان وظیفه تقدیم کنیم. محمد صالح‌زهی از نسل اول تحصیل‌کردگان و از کسانی بود که بعد از استقرار دولت مرکزی به دبستانی وارد شد که نظام جدید آموزشی را در بلوچستان با حمایت ارتش راه‌اندازی کرد. دانش‌آموزان محدود بودند، شدند و اولین کارمندان دولت، زنده‌یاد صالح‌زهی آخرین بازمانده از آن نسل بود و دیگران قبل از او به دیدار حق شتافته بودند. همچنین زنده‌یاد گل‌محمد صالح‌زهی در دومین کنگره شعر پیامبر مهربانیی در زاهدان به‌عنوان محقق و نویسنده برجسته استانی مورد تجلیل قرار گرفت.

احمدعلی موهبتی، استاندار سیستان و بلوچستان، در پیامی درگذشت استاد گل‌محمد صالح‌زهی را تسلیت گفت. او نوشت: «درگذشت استاد گل محمد صالح‌زهی، شاعر، نویسنده، گوینده رادیو، مورخ و پژوهشگر بزرگ اوست، موجب تأسف و تأثر فراوان این‌جانب گردید. رحلت این هنرمند نامدار استان را به جامعه فرهنگ و هنر و مردم استان سیستان و بلوچستان و خانواده مکرم ایشان تسلیت عرض می‌کنم و ضمن آرزوی صبور۱ و شکیبایی برای فرزندان و بازماندگان آن استاد گران‌سنگ، برای ایشان آرزوی علو درجات الهی مسئلت دارم.»

حسین مسگرانی، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان نیز در پیامی به مناسبت درگذشت استاد صالح‌زهی نوشت: «خبر درگذشت استاد صالح‌زهی، از نویسندگان و محققین پیش‌کسوت استان، موجب تأثر و تألم شد. فقدان آن نیک‌مرد فرهنگی، برای جامعه ادبی استان ضایعه‌ای است جبران‌ناپذیر و غمی گران. آثار پرمایه او همواره به یادگار خواهد ماند و نامش را در تاریخ فرهنگ و ادب سیستان و بلوچستان، زنده و جاوید خواهد داشت. این‌جانب ضمن همدردی با خانواده، دوستان و آشنایان آن زنده‌یاد، این ضایعه را به اهالی فرهنگ و هنر استان تسلیت می‌گویم. خدایش او را در جوار رحمت خویش قرین نعمتی ابدی سازد که پایسته چنین رفعتی است.»

محمود کردستانی، مدیر کل صداوسیما۱ سیستان و بلوچستان نیز در پیامی درگذشت این استاد پیش‌کسوت را تسلیت گفت.